

سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران

تاریخ نشان داد

ریشه های مشی توده ای در اعماق سرزمین ایران است

انتشار شماره ۱۵۱ راه توده، همزمان شد با سالگرد تاسیس حزب توده ایران. فردا دهم مهرماه است. در سال ۱۳۲۰، در چنین روزی حزب توده ایران بنیانگذاری شد. سالی که رژیم دیکتاتوری و فاشیست صفت رضاخان با ورود متفقین از شمال و جنوب به کشور سقوط کرد. پیش از آن که آنها نیروهای متفقین با هدف جلوگیری از پیوستن رژیم پهلوی اول به محور هیتلری جنگ دوم جهانی وارد تهران شوند، سفیر انگلستان، فروغی نخست وزیر اسبق رضاشاه را در جریان تصمیم انگلیس ها مبنی بر تبعید رضاخان قرار داده و از وی خواست به دربار شاه رفته و به او ابلاغ کند بساطش را جمع کرده و آماده شود تا از طریق اصفهان، فارس، کرمان و سپس بندرعباس از ایران خارج شود. ورود ارتش سرخ از شمال و ارتش انگلستان از جنوب به ایران، قطع پیوند ایران با آلمان هیتلری و سقوط رضاشاه می توانست به حادثه مهم تری بیانجامد و آن، قیام مردمی بود که از زیر فشار و سرکوب آزاد شده بودند و آغاز يك انقلاب ضد سلطنتی، ضد دیکتاتوری در ایران، پس از فروپاشی دستگاه امنیتی - پلیسی و ارتش تحت فرمان شاه. انگلستان با همین بیم و هراس تصمیم گرفت نیمه شب و بی سر و صدا رضاخان را که پس از نیمه جان کردن انقلاب مشروطه خود به ایران تحمیل کرده بود، از کشور خارج کند و امور سلطنت را به پسر ارشدش "محمدرضا" بسپارد تا شیرازه حکومت و سلطنت از دستشان در نرود و مردم در برابر سقوط آرام و عمل انجام شده قرار گیرند. بیم از جمهوری انقلابی گیلان، قیام و حکومت شیخ محمد خیابانی در تبریز و جنبش ملی ژنرال پسیان در خراسان نیز در تحمیل رضاخان به ملت ایران، در آخرین سالهای سلطنت متلاشی شده قاجاریه قوی ترین انگیزه انگلستان بود.

این چکیده آن حادثه ایست که رخ داد. متعاقب خروج دیکتاتور از ایران و متلاشی شدن دستگاه امنیتی- پلیسی او و فروپاشی ارتش شاهنشاهی در ادامه آن، درهای زندان ها باز شد، چاپخانه ها رونق گرفتند، مطبوعات توقیف شده از بند رها شدند و آن شمار از زندانیان سیاسی که در زندان های رضاشاهی جان بدر برده و تا سقوط او زنده مانده بودند، همراه با تبعیدی های سیاسی آزاد شدند.

۲۰ سال سلطنت مطلقه رضاخان که با کودتای ۱۲۹۹ آغاز شده و بخش اعظم آن با خودسری و سرکوب و اختناق و دیپلماسی پنهان از مردم و مصادره املاک وسیعی از کشور در شمال ایران بنام شخص رضا شاه، در قبال برخی اصلاحات از بالا و بدون پایگاه اجتماعی و مشارکت مردم از پائین، طی شده بود، در شهریور ۱۳۲۰ این گونه خاتمه یافت. بقایای حزب کمونیست ایران مانند میرجعفرپیشه وری، دکتر رضا رادمنش، بقایای گروه ۵۳ نفر مانند ایرج اسکندری و احسان طبری، و برخی تک چهره های چپ و شناخته شده ایران مانند سلیمان میرزا اسکندری که مشهورترین چهره ملی طرفدار سوسیالیسم بود و از بنیانگذاران سوسیال دموکراسی ایران، در تهران جمع شده و فعالیت سیاسی در فضای نوین ایران را پایه ریزی کردند. برنامه و محتوای سیاسی- اقتصادی حزبی که پایه ریزی شد، رویکردی چپ، سوسیالیستی و توده ای داشت و به همین دلیل نیز نام این حزب را "حزب

توده ایران" نهادند. از همان ابتدا مهم ترین و مبرم ترین شعار برای تشکیل وسیع ترین جبهه مبنای فعالیت سیاسی حزب قرار گرفت. یعنی "جبهه ضد جنگ، دفاع از صلح و علیه فاشیسم"، در عرصه اقتصادی نیز دفاع از حقوق کارگران و زحمتکشان، دفاع از برابری حقوق زنان با مردان، دفاع از آزادی ها، حمایت از انتخابات آزاد و تشکیل مجلس ملی، کوتاه سازی دست شاه و دربار از حکومت و سپردن کنترل و هدایت دولت ها برعهده مجلس ملی، برچیده شدن دستگاه های امنیتی و سرکوب پلیسی، بازسازی ارتش ایران بعنوان ارتشی ملی و نه ارتشی شاهنشاهی و تحت امر شاه بعنوان فرمانده کل قوا، نظارت دولت بر قوای مسلح و ناظر بودن مجلس ملی بر دولت و ارتش، بازگرداندن املاک تصرف شده از دربار شاهنشاهی به یک بنیاد ملی و تحت نظر دولت و مجلس، بازسازی و بازگرداندن هویت واقعی و "داد" ستان به دادگستری ضربه دیده و منکوب شده در دوران دیکتاتوری، محدود سازی اختیارات دربار شاهنشاهی و جلوگیری از دخالت آن در امور سه قوه قضائیه، مجریه و مقننه، مخالفت با هرگونه دخالت سفارتخانه های خارجی در امور داخلی کشور، آزادی تشکیل سندیکاهای کارگری و صنفی، محاکمه قضائی جنایتکاران دوران ۲۰ ساله دیکتاتوری رضاخان، مخالفت با سلطه خوانین و مالکین بر روستاها و نجات روستائیان از چنگال استثمار خوانین، گسترش آموزش و تحصیلات و مبارزه با بیسوادی در سراسر کشور، محدود سازی و کنترل بودجه شاه و دربار شاهنشاهی توسط مجلس، گسترش صنایع و تولید ملی، دفاع از استقلال و تمامیت ارضی کشور....

اینها رئوس کارپایه و برنامه حزب توده ایران بود و به تصویب بنیانگذاران حزب رسید. "نان و فرهنگ" شعار حزب شد. "جبهه ضد فاشیسم" و بلافاصله پس از پایان جنگ "جبهه صلح و آزادی" از نخستین شعارهای آن بود، که همگی در نخستین کنگره حزبی به تصویب رسید و هیات رهبری حزب نیز در کنگره انتخاب شد. در فاصله بنیانگذاری حزب تا تشکیل نخستین کنگره حزبی، برجسته ترین شخصیت ملی و چپ ایران "سلیمان میزرا اسکندری" که از جمله مغضوبان و خانه نشین شدگان سیاسی دوران رضاشاه بود، به عنوان صدر حزب توده ایران برگزیده شد، که کهولت سن فرصت بیشتری برای وی برای دوران پس از کنگره اول باقی نگذاشت.

از ۱۳۲۰ تا ۱۳۸۶، یعنی طی ۶۶ سال فراز و فرودهای بسیاری را حزب توده ایران پشت سر گذاشته، همچنان که کارنامه ای ماندگار و فراموش نشدنی از خود به یادگار نهاده است. نه تنها بنیانگذاران، بلکه از میان سه نسل توده ای، کسانی چهره درخاک کشیده اند، شمار زیادی اعدام و تیرباران شده اند. توده ای های بسیاری ناچار به مهاجرت شدند، سالها در زندان ها ماندند، یورش های نوبتی را در سالهای حکومت شاه و سپس جمهوری اسلامی متحمل شدند، کودتای ۲۸ مرداد را از سر گذراندند، سهم خویش را در انقلاب ضد سلطنتی و ضد دیکتاتوری سال ۵۷ برعهده گرفتند، برای تثبیت انقلاب و دفع تهاجم دشمن خارجی و انقلاب و یورش های بی امان ارتجاع مذهبی و لانه کردن در ساختار جمهوری اسلامی از جان خویش مایه گذاشتند، همچنان که برای دفاع از میهنی که با تجاوز ارتش صدام حسین به خطر افتاده بود، در سخت ترین شرایط به مهلک ترین جبهه های جنگ در آبادان و خرمشهر برای بیرون کردن متجاوز از خاک ایران رفتند و شماری از آنها جان خویش را در ایران راه دادند، توطئه ها را افشا کردند، از ضرورت جبهه مشترک دفاع از آرمان های انقلاب دفاع کردند و بی امان روی خطر ارتجاع کمین کرده در ساختار جمهوری اسلامی تاکید کردند، به سازمان ها و گروه های چپ رو هشدار دادند تا با اعمال خود آب به آسیاب ارتجاع درون حکومتی نریزند، انواع طرح ها و پیشنهادهای را برای ساختار اقتصادی مبتنی بر عدالت اجتماعی و جلوگیری از بازگشت غارت و غارتگری دادند و... در پایان این مرحله از کارزای تاریخی و انقلابی، سر از زندان های جمهوری اسلامی در آوردند. برخی به اعتراف های زیر مخوف ترین شکنجه ها مجبور شدند و شماری پیش از آنکه اعدام شوند در

اوین و زندان توحید برای همیشه خاموش شدند. در قتل عام ۱۳۶۷ به دارشان کشیدند تا مبادا از زندان بیرون آمده و بگویند چه بر آنها گذشت. اعدام شدند تا بقول احمدجنتی در نماز جمعه تهران، پس از یورش دوم "کاری که شاه نتوانسته بود تمام کند، ما تمام کردیم و ریشه را از زمین بیرون آوردیم".

با همین خیال مالیخولیائی بزرگترین جنایات را علیه حزب توده ایران مرتکب شدند و تصور کردند ریشه را کنند. گمان نمی بردند، - اندیشه خشک و منجمد نمی تواند گمان ببرد- که حزب، اندیشه، فرهنگ، سیاست و حتی مذهب، تابع شرایط اجتماعی اند نه خواست و اراده این حاکمیت و یا آن حاکمیت، این فرد یا آن فرد. به همین دلیل است که امروز ما در جامعه ایران با نسل جدید "چپ" روبرو هستیم، که سن و سال آن به انقلاب ۵۷ هم قد نمی دهد، چه رسد به سالهای پیش از آن. همچنان که با پیکار در راه متشکل شدن در سندیکاها و تشکیل های صنفی، با به جان کوشی زنان برای آزادی و برابری و... روبرو هستیم. از میان این نسل جدید، کسانی یا با تجربه عملی خویش، یا بر اثر مطالعه تاریخ گذشته جنبش چپ ایران و یا هر دلیل دیگری، دوران تندروی ها، کودکی ها در چپ روی ها، ضرورت اتحاد نیروها، حرکت گام به گام با ضرورت های تحول اجتماعی، با مارکسیسم، با حزب توده ایران و مهم تر از همه، با مشی توده ای آشنا خواهند شد. رهبران آینده حزب توده ایران از میان همین نسل سر خواهند آورد و گذشت زمان یک بار دیگر ثابت خواهد کرد که "حکم تاریخ به پیش می رود".

شاید، آن کیفیت از دست رفته که در وجود شخصیت هایی نظیر زنده یاد احسان طبری ها، جوانشیرها، کیانوری ها، کامبخش ها، اسکندری ها، رادمنش ها، نیک آئین ها و... متبلور بود، به این آسانی جایگزین خود را نیابد، اما حرکت حزبی استوار بر مشی و تئوری مارکسیسم و بویژه مشی توده ای، در مجموع خویش به پیش رفته و نیروهای جایگزین را نیز متناسب با زمان و شرایط می یابد. "پرواز" را باید بخاطر سپرد، "پرنده" به هر حال رفتنی است! این "پرواز" برای توده ایها همان مشی توده ایست، که ریشه در اعماق جامعه ایران دارد و از نسلی به نسلی دیگر منتقل می شود. همچنان که امروز شاهد این انتقال هستیم. بحث بر سر همان "پرواز"ی است که در همین شماره راه توده به شهادت اسناد، در مقاله ارزشمند "حزب توده ایران به شهادت اسناد...." می خوانیم.

وظیفه بی درنگ و بی تاخیر همه توده ایها، همه طرفداران مشی و نگرش توده ای، همه فعالان متمرکز و یا پراکنده توده ای در داخل و یا خارج از کشور تامل و تفکری عمیق تر پیرامون این لحظه، این شرایط و این مشی است. همچنان که تامل و تفکر برای هر لحظه و هر شرایط اجتماعی و انطباق آن با مشی توده ای!

سالگرد بنیانگذاری حزب توده ایران، بر همه توده ایها، همه زحمتکشان و توده های مردم ایران مبارک باد.